

# دربارهٔ عکاسی

سوزان سونتگ / فرزانه طاهری

---

## فهرست

---

- ۷..... مقدمهٔ مولف
- ۹..... مقدمهٔ مترجم
- ۱۱..... مقدمهٔ ویرایش جدید
- ۱۵..... در غار افلاطون
- ۴۵..... آمریکا، از میان عکس‌ها، به تاریکی
- ۷۳..... اشیای اندوه‌زا
- ۱۱۵..... پهلوانی دیدن
- ۱۴۹..... اناجیل عکاسی
- ۱۸۹..... جهان تصویری
- ۲۲۱..... گزیدهٔ جملات قصار

## در غار افلاطون

|| نوع بشر، بی‌هیچ تحرکی در غار افلاطونی<sup>۱</sup> نشسته است و بنا به عادت دیرین، فقط دل به تصاویر حقیقی خوش کرده است. اما آموختن از عکس شبیه آموختن از تصاویر قدیمی‌تر و صنعتگرانه نیست. برای هر چیز، تصاویر فراوانی در گرداگرد ماست که نظر ما را به سوی خود می‌خواند. نگاهستن این سیاهه از ۱۸۳۹ آغاز شده است و از آن هنگام کمابیش از هر چیزی عکس گرفته‌اند، یا چنین به نظر می‌آید. همین چشمان اقتناع‌ناپذیر عکاس، شرایط گرفتاری در این غار، یعنی جهان ما، را تغییر می‌دهد. عکس با تغییر و گسترش تصور ما نسبت به آنچه که ارزش دیدن دارد و آنچه که ما حق داریم ببینیم، رمز دیدگانی نوینی را به ما می‌آموزد. اینها آداب و مهم‌تر از آن اخلاقیات دیدن‌اند. سرانجام نتیجهٔ سترگ کار عکاسی این است که حسی را به ما می‌بخشد که می‌توانیم کل جهان را به صورت گلچین و مجموعه‌ای از تصاویر در مغز خود نگاه داریم.

گردآوری عکس یعنی گردآوری جهان. فیلم‌های سینما و برنامه‌های تلویزیون دیواراراروشن می‌کنند، سوسومی‌زند و خاموش می‌شوند؛ اما عکس چنین نیست، تصویر، شیء نیز هست، سَبْک است، تولیدش ارزان تمام می‌شود و به راحتی می‌توان آن را حمل کرد، مالکش شد و جمع‌آوری‌اش کرد. در فیلم تفنگ‌داران<sup>۲</sup>

۱- افلاطون (Plato)، فیلسوف یونانی، معتقد بود که محسوسات ظواهرند نه حقایق و جهان را به غاری شبیه می‌دانست که ما فقط سایه‌ها و تصاویری از حقایق بیرون را بر دیوار آن می‌بینیم.

(۱۹۶۳) به کارگردانی گدار<sup>۱</sup>، به دو دهقان لومپن بیچاره به نام‌های میکل آنژ<sup>۲</sup> و اولیس<sup>۳</sup>، وعده می‌دهند که در صورت پیوستن به ارتش پادشاه اجازه دارند غارت و تجاوز کنند، بکشند و خلاصه هر کار خواستند با دشمن بکنند و ثروتی به هم بزنند. پس از گذشت چند سال، آن دو فاتحانه با چمدان غنائم خود به خانه و نزد همسران‌شان برمی‌گردند، اما معلوم می‌شود که چمدان‌شان پر است از کارت‌پستال، صدها تصویر از بناهای یادبود، فروشگاه‌های بزرگ، پستانداران، عجایب خلقت، انواع وسایل حمل و نقل، آثار هنری و گنجینه‌های طبقه‌بندی شدهٔ دیگر از سراسر کرهٔ زمین. این شیرین‌کاری گدار، جادوی ایهام عکس را به شکلی زنده نمایش می‌دهد. شاید بتوان گفت عکس مرموزترین شیء در میان اشیایی است که محیط اطراف ما را می‌سازند، و بر حجم آن می‌افزایند، همین محیطی که مدرنش می‌دانیم. عکس یعنی تسخیر تجربه و دوربین مطلوب‌ترین سلاح کسب آگاهی است، البته آگاهی اکتسابی.

وقتی کسی از چیزی عکس می‌گیرد، مالک آن می‌شود. یعنی با این کار او خود را در رابطهٔ خاصی با جهان قرار می‌دهد که حالتی شبیه دانش و در نتیجه، قدرت دارد. فرض بر این است که نخستین سقوط به ورطهٔ از خودبیگانگی، که این روزها ورد زبان همه شده است، یعنی خوگرفتن مردم با انتزاع جهان و ریختن آن به قالب کلمات چاپی، نیروی اضافهٔ فاوستی<sup>۴</sup> و صدمهٔ روانی لازم را برای ساختن جوامع مدرن ناهمبسته ایجاد کرده است. اما ظاهراً این شکل از صافی‌گذراندن جهان و تبدیل آن به شیئی ذهنی با

۱- ژان لوک گدار (Jean-Luc Godard)، کارگردان فرانسوی که در ۱۹۶۷ به سینمای سیاسی روی آورد.

2- Michel-Ange

3- Ulysse

۴- فاوست (Faust)، دکتر آلمانی که بنا بر افسانه‌ها روحش را در ازای جوانی و دانش و قدرت جادو کردن، به شیطان فروخته بود. افسانه‌های بی‌شمار به نام او پرداخته شده است.

فن چاپ، چنان خیانتکارانه نیست که با تصاویر عکاسی، تصاویری که امروزه بخش اعظم دانش آدم‌ها را درباره شکل و شمایل گذشته و امکانات حال فراهم می‌آورند. آنچه درباره یک شخص یا یک واقعه نوشته می‌شود، تعبیر است و لاغیر، ارائه احکام دیداری ساخته دست بشر، مثل نقاشی و طرح هم به همین گونه‌اند. تصاویر عکاسی در واقع تکه‌تکه‌هایی هستند از جهان و نه ارائه حکم درباره آن، مینیاتورهای واقعیت‌اند که هرکس می‌تواند آنها را درست کند یا صاحب‌شان شود.

عکس را، که با شاهین ترازوی جهان بازی می‌کند، درعین حال کوچکش می‌کنند، بزرگش می‌کنند، بخش‌هایی از آن را قطع یا روتوش می‌کنند، در آن دست می‌برند، تزئینش می‌کنند. عکس کهن سال می‌شود، بیماری‌های مبتلا به اشیای کاغذی گریبان‌گیرش می‌شود، رنگ می‌بازد، ارزشش بالا می‌رود و به خرید و فروش می‌رسد و آن را دوباره چاپش می‌کنند. عکس که جهان را بسته‌بندی می‌کند، شکلی دارد که انگار آدم‌ها را به بسته‌بندی خود ترغیب می‌کند. آن را در آلبوم می‌چسبانند، قاب می‌گیرند و روی میز می‌گذارند، به دیوار میخ می‌کنند، اسلایدش را روی پرده می‌اندازند، در روزنامه و مجله چاپش می‌کنند، پلیس آن را بر طبق حروف الفبا تنظیم می‌کند، در موزه آن را به نمایش می‌گذارند و ناشر در مجموعه‌هایی چاپش می‌کند.

کتاب در این چند دهه به مؤثرترین طریقه تنظیم (و اغلب، کوچک کردن) عکس بدل شده و بدین وسیله تماشاگران بیشتر و پایداری آن را تضمین کرده است، هرچند فناپذیرشان نکرده است. عکس چون شیئی است ظریف که به راحتی پاره یا گم می‌شود. عکسی که در یک کتاب چاپ می‌شود، تصویر یک تصویر است، اما نکته مهم این است که برخلاف نقاشی، عکس شیئی است تخت و چاپ شده و به همین علت وقتی که در کتاب عرضه می‌شود، در اساس،